

آمریکا و خطر فروپاشی از درون

سعید سبحانی
گروه بین‌الملل

آمریکا در سال‌های اخیر همزمان با از دست دادن قدرت در عرصه بین‌المللی، در داخل نیز با مشکلات زیادی مواجه بوده و برخی از مظاهر دموکراسی در این کشور به‌شدت متزلزل شده است. حاکمیت قانون، انتقال منظم قدرت و توانایی جذب و حفظ مهاجران با استعداد در مقیاس گسترده ضعیف شده و مشکلاتی مانند خشونت با اسلحه، جرم و جنایت در مناطق شهری، مصرف مواد مخدر و مهاجرت غیرقانونی بارزتر شده‌است.

علاوه بر این، افزایش شکاف‌های سیاسی، کشور را عقب نگه داشته‌است. امتناع گسترده جمهوریخواهان از پذیرش نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰، که منجر به حمله به ساختمان کنگره در ۶ ژانویه ۲۰۲۱ شد، احتمال ظهور حرکتی گسترده‌تر در آینده را نوید می‌دهد و چنین خشونت‌هایی ممکن است در ایالات متحده امری عادی شود.

تصمیمات اخیر دیوان عالی و واکنش‌های متفاوت داخلی به آنها، تصور ایالات متفرقه آمریکا را تقویت کرده است. همه اینها و عقب‌نشینی دموکراتیک در ایالات متحده باعث شده مدل سیاسی آمریکا، جذابیت بسیار پایینی میان سایر کشورها داشته باشد.

در دهه اول قرن اخیر، سوءمدیریت اقتصادی در ایالات متحده به بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸ منجر شد و اقدامات اشتباه اخیر در آمریکا باعث افزایش سرسام‌آور تورم شده و به جایگاه آمریکا در عرصه بین‌المللی ضربه زده است. در این میان، مهم‌ترین ضربه‌ای که آمریکا خورده، کاهش اعتماد سایر کشورها به ثبات سیاسی در این کشور است.

آمریکایی‌ها در سال‌های اخیر نشان داده‌اند در عرصه بین‌المللی فاقد اجماع داخلی هستند و نوسانات شدیدی که در سیاست خارجی این کشور در سال‌های اخیر رخ داده سایر کشورها را در همراهی با آمریکا مردد کرده است. در همین زمینه می‌توان به نفوذ فاجعه‌بار دولت جورج دبلیو بوش در عراق، عملکرد ضعیف دولت اوباما در خاورمیانه و بی‌کفایتی و معامله‌گرایی دولت ترامپ اشاره کرد که باعث شده بسیاری از کشورها شک داشته باشند که آیا می‌توان بر تعهدات آمریکا تکیه کرد یا نه.

البته از وقتی دولت بایدن روی کار آمده، تلاش کرده به متحدان واشنگتن این‌گونه القا کند که قرار است اهمیت بیشتری نسبت به گذشته برای ائتلاف‌ها و مشارکت‌ها قائل باشد اما او نیز با انجام برخی اقدامات عملا باعث تردید بیشتر متحدان آمریکا در مورد شایستگی این کشور شده است. در همین زمینه می‌توان به خروج فاجعه‌بار نیروهای آمریکایی از افغانستان در تابستان سال گذشته اشاره کرد.



این واقعیت که نمی‌توان پیش‌بینی کرد چه کسی دفتر بیضی‌شکل کاخ سفید را در آینده اشغال خواهد کرد، چیز جدیدی نیست اما موضوع تازه این است که حتی برای متحدان آمریکا قابل پیش‌بینی نیست این شخص چه نگاهی به نوع روابط ایالات متحده با جهان خواهد داشت. نتیجه این است که متحدان و شرکای ایالات متحده چاره‌ای ندارند جز این‌که به جای اتکای مستمر به واشنگتن به سمت گزینه‌های دیگر مانند خودکفایی بیشتر یا روابط با سایر کشورهای قدرتمند بروند. در این میان توانایی واشنگتن برای حمایت از متحدانش نیز به‌شدت کاهش یافته و همین مسأله نیز جایگاه این کشور را متزلزل‌تر کرده است.

با این حال، در نهایت، بزرگ‌ترین خطر برای امنیت ایالات متحده در دهه آینده را باید در خود ایالات متحده یافت. کشوری که با شکاف‌های داخلی مواجه باشد قادر به تحمل فشارهای خارجی نخواهد بود و همچنین نمی‌تواند در جهان موثر باشد، زیرا ایالات متحده به عنوان یک شریک یا رهبر قابل پیش‌بینی و قابل اعتماد تلقی نخواهد شد. همچنین قادر نخواهد بود با چالش‌های داخلی خود مقابله کند.

در کنار تمام این چالش‌ها و تهدیدها، آمریکا با یک معضل دیگر در عرصه اقتصادی نیز مواجه بوده و آن جایگاه متزلزل دلار در عرصه بین‌المللی است. بر همین اساس کارشناسان معتقدند اگر آمریکا با احتیاط بیشتری در حوزه اقتصادی عمل نکند و همچنان به اعمال مکرر تحریم‌ها به‌ویژه تحریم بانک مرکزی کشورها ادامه دهد احتمالا سایر کشورها به سمت یک جایگزین برای دلار پیش خواهند رفت و این اتفاقی است که در همین مقطع نیز تا حدودی افتاده و بسیاری از کشورها به سمت مبادلات با ارزهای دیگر به جز دلار رفته‌اند. اگر این اتفاق در سطح گسترده بیفتد آن‌گاه آمریکا توانایی خود را برای استعراض با نرخ‌های پایین از دست خواهد داد و بدیهی هتفک این کشور که در حال حاضر بیش از ۳۰ تریلیون دلار است، افزایش خواهد یافت.



اعتراف صهیونیست‌ها به پیروزی نصرا...

تحلیلگران رژیم صهیونیستی، سید حسن نصرا...، دبیرکل حزب ... لبنان را پیروز‌نبرد مذاکرات ترسیم مرزهای آبی بین فلسطین اشغالی و لبنان خواندند. به عنوان مثال، روزنامه صهیونیستی معاویو با اشاره به سخنان شنبه شب دبیرکل حزب... نوشت: نصرا...، ماموریت خود را با موفقیت کامل انجام داد و در اوج مذاکرات به طرف هافشار آورد.



تلاش آمریکا عاقلانه نیست

هنری کیسینجر، وزیر خارجه پیشین آمریکا گفت، تلاش‌های واشنگتن برای الحاق اوکراین در ناتو بعد از فروپاشی اتحاد شوروی عاقلانه نیست. وی تأکید کرد دیر یا زود غرب و روسیه باید با یکدیگر وارد گفت‌وگو شوند، چراکه این تصمیم بر انتخاب میدان نبرد نظامی ارجحیت دارد.



گروسی به مسکو کی یف می‌رود

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد رافائل گروسی، مدیرکل این سازمان در روزهای آینده برای راینی با مقامات روسیه و اوکراین به این دو کشور می‌رود. براساس این گزارش، مذاکره درباره ایجاد منطقه غیرنظامی اطراف نیروگاه اتمی زاپروژیا، دستور کار گروسی در کی‌یف و مسکو است.



براساس گزارش یورونیوز، مانفردی کالتاگیرونه، رئیس صدخانه‌ای که انتشار گاز متان را بررسی می‌کند، به برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد می‌گوید: «این واقعا بد، مخرب و به احتمال زیاد بزرگ‌ترین نشت گاز متان است که تا به حال رصد می‌شود. آن هم درست در زمانی که کاهش انتشار این گاز بیش از پیش یک ضرورت است.»

مانفردی کالتاگیرونه اضافه می‌کند میزان کل نشت گاز متان از خطوط لوله گازپروم ممکن است از نشت ۱۰۰گتن گاز متان در ساعت در ماه دسامبر از میادین نفت و گاز دریایی در آب‌های خلیج مکزیک هم بالاتر رود. در حادثه نشت گاز در خلیج مکزیک که از فضا نیز قابل مشاهده بود در طول ۱۷ روز حدود ۴۰ هزار تن متان نشت کرد.

زیرآب یا سایر مواد منفجره از راه دور منفجر شده است. این اقدام آمریکا، مصداق تروریسم گازی بوده و به مبارزه جهانی با انتشار گازهای مسموم لطمه وارد می‌سازد. «برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد» می‌گوید نشت گاز از خطوط لوله نورد استریم در بستر دریای بالتیک، احتمالا منجر به ثبت بزرگ‌ترین انتشار گاز متان خواهد شد.

نشت گاز متان از نورد استریم به این دلیل مهم است که این گاز تأثیر سوء بر آب و هوا دارد. آن هم در عصری که بشر سخت‌نیا زمند مبارزه با تغییرات اقلیمی است. اخیرا توده عظیمی از گاز متان بسیار غلیظ، گازی گلخانه‌ای و بسیار قوی‌تر اما با عمری کوتاه‌تر از دی‌اکسید کربن در تصاویر ماهواره‌ای و توسط محققان رصدخانه بین‌المللی انتشار گاز متان (IMEO) رصد شده است.

گزارش

اشتباهات محاسباتی غرب در جنگ اوکراین

لیبرال دموکراسی‌ها روی فروپاشی روسیه شرط‌بندی‌ای کردند که تاکنون نتیجه نداده است



بره سایر رهبران اروپایی دارد اما او در اروپا تنهاست و در کشور خود نیز پس از یک انتخابات بی‌نتیجه، تضعیف شده است. در مورد انگلیس در دوران نخست‌وزیری بوریس جانسون نیز نیاز به قضاوت و تحلیل نیست، او در میان کشورهای مطرح اروپایی جایگاهی ندارد و خیلی از تحلیلگران پیش از استعفای او نیز معتقد بودند او از نظر سیاسی به آخر خط رسیده است. آلمان توسط اولا ف شولتز رهبری می‌شود؛ فردی بی‌انگیزه و غیرکاربرزما تیک که حضور او در جایگاه صدراعظمی وابسته به ائتلافی است که آنچنان مستحکم نیست و آلمان با این رهبری، بعید است که قادر به بازپسگیری رهبری قاره اروپا باشد. ماریو دراگی، نخست‌وزیر ایتالیا نیز که سابقه ریاست بانک مرکزی اروپا را در کارنامه داشت چندی قبل به‌دنبال تنش‌های سیاسی مجبور به کناره‌گیری شد و دولت او سقوط کرد. در این میان اتحادیه اروپا فاقد چشم انداز و رهبری است و سه دهه پس از پایان جنگ سرد و شکست اتحاد جماهیر شوروی، اکنون نوبت دولت‌های غربی است که در دام تفکرات مخرب گروهی قرار گیرند.

آنها از واقعیت فاصله گرفته و با بی‌کفایتی و اشتباهات محاسباتی، به‌شدت به سمت توهم و گسترش نظامی‌گری گرایش پیدا کرده‌اند؛ به‌ویژه آن کشورهای اروپایی که آن قدر در ماجرای اوکراین سرگرم سیاست‌های خود هستند که اصلا توجه ندارند کشورهای خودشان زیر بار تحریم‌های تحمیلی علیه روسیه در حال فروپاشی است. دولت‌های مختلف آمریکا پس از جنگ سرد، سرمایه‌ی سیاسی عظیم جهانی را که با پیروزی در جنگ سرد به‌دست آورده بودند، هدر دادند. استانداردهای دگوانه، جنگ‌های غیرقانونی و یکجانبه و تغییر حاکمیت برخی کشورها تحت عنوان مداخلات بشردوستانه، به‌تدریج نظم جهانی مبتنی بر قوانین را که دموکراسی‌های غربی به آن افتخار می‌کردند، تضعیف کرده است.

جامع غربی در حال فروپاشی

غربی‌ها حدود ۲۰ سال، نظم اقتصاد جهانی و اقتصاد بازار را از طریق یک مدل اقتصادی بیش از حد مالی و رانتی تحت فشار قرار دادند و این را باعث ایجاد حباب

مالی عظیم و غیرقابل کنترل و همچنین نابرابری‌های عمیق اقتصادی شد. این اتفاقات، واکنش‌هایی را به همراه داشته که اکنون در حال از هم‌پاشیدن جوامع غربی است. بحران مالی سال ۲۰۰۸ و شکم مالی به مقصران اصلی در ایالات متحده، همراه با اقدامات ریاضتی شدید اتخاذ شده در اروپا، خشم و نارضایتی گسترده‌ای را در پی داشته است.

دموکراسی‌های غربی حدود ۳۰ سال گذشته خود را از بقیه جهان منزوی کردند و اکنون جنگ در

خبر



دولت‌های فعلی اسکاندیناوی و حوزه شمال اروپا (نوردیک) نسبت به نقش آمریکا در این عملیات خرابکارانه آگاه هستند اما از ابراز این مسأله به دلایل پیوندهای پشت پرده و آشکار امنیتی، اجتناب می‌کنند

صرفا موسسات ژئله‌نگاری دانمارک و سوئد که قدرت ارتعاشات در کف دریای بالتیک را ثبت کرده‌اند، معتقدند کانون این ارتعاشات زیر بستر دریا جایی که زمین‌لرزه واقعی رخ می‌دهد، نبوده است. این حمله احتمالا از قبل برنامه‌ریزی شده و با استفاده از مین‌های

چشم‌انداز ناامیدکننده

زنجیره‌های تأمین کالا از قبل به دلیل همه‌گیری کووید-۱۹ تحت فشار قرار داشتند و سیستم‌های بهداشتی غربی قیلا به‌دلیل دهه‌ها کاهش بودجه ضعیف شده بودند. دولت‌های غربی به‌ویژه ایالات متحده، مدت‌هاست که بسیاری از سیاست‌های صنعتی خود را کنار گذاشته‌اند و در حال برون‌سپاری تولید به سایر کشورها هستند. در آلمان، بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا، شهر هامبورگ در حال بررسی جیره‌بندی آب گرم است و برای اولین بار از سال ۱۹۹۱، این کشور کسری تجاری ماهانه ثبت کرده است. رئیس فدراسیون اتحادیه‌های کارگری آلمان به‌تاژگی هشدار داده صنایع کلیدی آلمان ممکن است به دلیل کاهش عرضه گاز طبیعی روسیه با سقوط مواجه شوند و پیش‌بینی‌ها از احتمال وقوع ناآرامی‌های اجتماعی و کارگری حکایت دارد و همه اینها می‌تواند نویدبخش یک نقطه عطف در اقتصاد اروپا باشد. یک بحران غذایی بین‌المللی می‌تواند صدها هزار بیاهنده جدید را از کشورهای فقیرتر به سمت مرزها و سواحل اروپا بفرستد و از قبل مشخص است آن‌طور که از اوکراینی‌ها به گرمی استقبال شد از آنها استقبال نمی‌شود. در همین حال، بدترین سناریوی جی‌بی‌مورگان برای قیمت نفت، ۲۸۰ دلار در هر بشکه است و این در صورتی است که تحریم‌های آمریکا و اروپا روسیه را وادار به تلافی با کاهش بیشتر تولید کند. نوبل رومینی، اقتصاددان هشدار داده است: «دلایل زیادی برای این باور وجود دارد که رکود بعدی با یک بحران شدید نگرته‌بدهی از رکود تورمی همراه خواهد بود.» چیزی که اقتصاددانان آن را فرود نرم اقتصاد جهانی می‌نامند به‌طور فزاینده‌ای دور از دسترس به نظر می‌رسد. محاسبات لیبرال دموکراسی‌ها با توجه به نتیجه درگیری اوکراین، فروپاشی روسیه، وحدت جهانی و تنوع بخشیدن به منابع انرژی تاکنون اشتباه بوده است. هیچ پیش‌بینی‌ای از مورد تأثیر جهانی تحریم‌ها صورت نگرفته بود. اتحادیه اروپا، جی ۷ و ناتو اخیرا نشست‌های خود را برگزار کردند، جایی که به‌نظرمی‌رسید همه چیز طبق معمول پیش می‌رفت. رهبران غربی ترجیح می‌دهند با محاسبات نادرست، بی‌کفایتی و توهمات خود را ادامه دهند. سیاست آنها در مقیاس جهانی به‌نوعی از آزمون و خطا تبدیل شده است. تابستان ممکن است برای آنها زمان بخرد اما پاییز که بیاید آنها باید برای مشکلات آماده شوند. با این حال قطعا آنها تبعات اقدامات خود را به گردن نخواهند گرفت. آنها پوتین، رئیس جمهور روسیه را به‌عنوان مقصر معرفی کرده و سرزنش خواهند کرد و بخش عمده‌ای از افکار عمومی نیز بر تأثیر تبلیغات، این حرف‌ها را باور خواهند کرد.